

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

عوامل مؤثر بر توزیع درآمد با تاکید بر درآمدهای مالیاتی

وحید غفاری

کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا همدان

Vahidghaffari743@gmail.com

مرتضی کاکي

کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا همدان

mortezakaki@yahoo.com

توفیق بیگی

کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه چمران اهواز

tofigh_beigi@yahoo.com

محمد امین جنوبی

کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه تهران

Mohamadj89@gmail.com

خدیجه هادیزاده

کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه پیام نور غرب تهران

kh.hadizade2012@gmail.com

چکیده

امروزه با توجه به تنوع هزینه‌های دولت، مالیات در اقتصاد کشورها به‌عنوان منبع اصلی تأمین منابع اهمیت خاصی یافته است. از دیدگاه کلان اقتصادی، مالیات‌ها یکی از عمده‌ترین ابزارهای سیاست‌های اقتصادی هستند و از دیدگاه خرد اقتصادی نیز دارای دو اثر عمده تخصیص و توزیع می‌باشند. این نکته قابل توجه است که مهم‌ترین وسیله توزیع درآمدها استفاده از ابزار مالیاتی است. سیاست‌های مالیاتی مناسب می‌تواند به توزیع مناسب درآمد بین افشار جامعه منجر شوند. بنابراین هدف این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد با تأکید بر روی مالیات‌ها در ایران طی دوره زمانی ۱۳۶۸-۱۳۹۱ بر اساس روش رگرسیونی OLS می‌باشد. از ضریب جینی برای سنجش و اندازه‌گیری نابرابری استفاده شده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که درآمدهای مالیاتی با توزیع درآمد رابطه منفی دارد. از طرفی دیگر اثر ضریب تولید ناخالص داخلی روی توزیع درآمد مثبت است که نشان می‌دهد فرضیه کوزنتز مبنی بر وجود رابطه U معکوس بین توسعه اقتصادی و توزیع درآمد در ایران مورد تأیید قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: توزیع درآمد، درآمدهای مالیاتی، ضریب جینی

مقدمه

از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها، کنترل وضعیت نابرابری درآمداست، بدین ترتیب دولت باید به‌منظور کاهش نابرابری، چگونگی تغییرات نوع درآمد، تبعیض قیمت‌ها، کمک‌های انتقالی دولت، حداقل دستمزد، نرخ بیکاری، تسهیلات مالی برای افراد کم‌درآمد و... می‌تواند به نحوی تنظیم شود که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان و گاه برعکس شود. در غالب تئوری‌های اقتصادی مالیات اصلی‌ترین منبع درآمد دولت است. اما درعین حال به‌عنوان ابزاری برای تخصیص منابع و حصول به توزیع عادلانه درآمدها و ثروت‌ها نیز مطرح می‌باشد. در نتیجه علاوه بر آن که ابزارتامین هزینه‌های بخش عمومی را دارا می‌باشد دارای آثار تخصیصی و توزیعی نیز می‌باشد. یک نقش کلیدی مالیات که در تحلیل‌های اقتصادی دولت جایگاه ویژه‌ای دارد آثار توزیعی آن است. به همین دلیل نقش عادلانه بودن ابزار مالیات یک اصل از دو اصل اساسی آن (در کنار اصل کارایی) می‌باشد. این نکته قابل توجه است که مهم‌ترین وسیله توزیع درآمدها استفاده از ابزار مالیاتی است. سیاست‌های مالیاتی مناسب می‌تواند به توزیع مناسب درآمد بین اقشار جامعه منجر شود. با این وجود، آنچه در وضعیت اقتصادی کشورمان ملاحظه می‌شود توزیع نامناسب درآمد بین اقشار جامعه می‌باشد. اثر مالیات بر توزیع درآمد عمدتاً از طریق انتقال درآمد از بازار موردنظر به دولت و از دولت به کل جامعه صورت می‌گیرد. به‌طور کلی مقدار مالیاتی که از طریق بازار به دولت منتقل می‌شود به کشش منحنی‌های عرضه و تقاضا بستگی دارد. به این ترتیب دولت‌ها توانایی آن را پیدا می‌کنند که از طریق ابزار مالیاتی در اقتصاد دخالت نموده و علاوه بر تأمین هزینه‌های خود، توزیع درآمد را تعدیل نمایند. به همین دلیل، ضرورت انجام مطالعه و بررسی در این خصوص احساس می‌گردد. اهمیت این نوع مطالعات به حدی است که در برنامه چهارم توسعه یکی از عوامل عدالت و ثبات اجتماعی و کاهش نابرابری اجتماعی و اقتصادی، اعمال سیاست‌های مالیاتی باهدف باز توزیع عادلانه درآمدها عنوان شده. حال این سؤال مطرح می‌شود که اعمال سیاست‌های مالیاتی که تاکنون با این هدف اتخاذ شده‌اند تا چه حد در کشورمان مؤثر بوده است؟ از این رو شناخت ابزارهای مالی (مالیات‌ها) و ارتباط آن با شاخص‌های توزیع درآمد ضروری به نظر می‌رسد.

مبانی نظری

در اکثر کشورهای جهان مالیات نه تنها به‌عنوان مهم‌ترین منبع درآمد دولت‌ها، بلکه از دیدگاه کلان و خرد دارای اهمیت گسترده می‌باشد. از دیدگاه کلان، مالیات یکی از عمده‌ترین ابزار سیاست‌های اقتصادی دولت محسوب شده و از نظر تحلیل خرد نیز با دارا بودن دو اثر عمده تخصیص و توزیع حائز اهمیت است. از این رو در این مطالعه بر آنیم تا اثر توزیعی مالیات را در کشور بررسی نماییم.

یکی از وظایف دولت‌ها توزیع درآمد و ثروت بین گروه‌های مختلف جامعه و برقراری عدالت در جامعه است. لذا، شاخص‌های توزیع درآمد به‌عنوان ابزاری مؤثر و کارا برای بهینه‌سازی سیستم اقتصادی، درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را تشریح و تبیین می‌نماید. هنگامی که در اقتصاد بحث توزیع و نظریه‌های آن مطرح می‌شود، باید بین دودسته از نظریه‌های مربوط به توزیع درآمد تفاوت قائل شد، توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید و توزیع درآمد شخصی. در این قسمت به توضیح این دودسته از نظریه‌های توزیع خواهیم پرداخت

مالیات یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاسی دولت است که در تأمین عدالت اجتماعی از طریق توزیع مجدد درآمد و ثروت و تخصیص بهینه منابع نقش دارد (جعفری و منتظری ۱۳۸۶). مطالعات زیادی همچون آتن و کارول (۱۹۹۹)، فینبرگ و پوتربا (۱۹۹۳) و میکویوچز و گری (۲۰۰۸) به بررسی اثر سیاست مالی، بخصوص مالیات بر نابرابری پرداخته‌اند. تأکید این مطالعه بر تأثیر مالیات‌ها بر نابرابری است. با توجه به نظریه‌های موجود، اثرات مالیات بر توزیع درآمد مبهم است. برخی ادعا می‌کنند که مالیات‌های بالا فوراً بر انگیزه کار و انباشت سرمایه اثرمی گذارد و اگر این اثر بر گروه‌های درآمدمی بالا به نسبت مهم تراشد، ما باید انتظار داشته باشیم که برافزایش مالیات، توزیع درآمد بهبود خواهد یافت. از سوی دیگر مطالعاتی مثل اتکینسون (۲۰۰۴) بر این باورند که با افزایش مالیات، ممکن است نابرابری درآمد افزایش یابد. در ساده‌ترین حالت اعمال مالیات تصاعدی برای

ثروتمندان یک اثر جانشینی دارد که باعث کاهش کار و تلاش می‌شود و در مقابل یک اثر درآمدی دارد که در جهت عکس است. بنابراین دلیل و بسته به نوع مالیات و نیز میزان فرار مالیاتی، افزایش مالیات می‌تواند اثر مثبت و یا منفی بر توزیع درآمد داشته باشد. به‌طور دقیق می‌توان گفت که نوع اثر مالیات بر توزیع درآمد به نوع سیاست مالیاتی بستگی دارد. با توجه به نقش و اهمیت مالیات مستقیم بر اقتصاد، مهم‌ترین انواع مالیات مستقیم در ایران عبارت‌اند از: مالیات بر درآمد (شامل مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و مالیات بر شرکت‌ها) و مالیات بر ثروت. در صورت نبود فرار مالیاتی، مالیات بر درآمد شخصی به صورت نرخ تصاعدی می‌تواند باعث بهبود توزیع درآمد گردد. مالیات بر ثروت تجمعی نیز باید موجب توزیع بهتر درآمد شود. مالیات بر شرکت‌ها مالیات مستقیمی است که در کشور ما در بین انواع مالیات‌های مستقیم عمده‌ترین رقم مالیاتی را دارا است. بنابراین اهمیت نوع تأثیر این گروه از مالیات‌ها بر توزیع درآمد در ایران بیش از سایر انواع مالیات‌ها می‌باشد. (عرب مازار و دهقانی، ۱۳۸۸)

پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی:

زاده بالی (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان " اثر بخشی مالیات بر نابرابری توزیع درآمد در ایران طی سالهای (۸۶-۱۳۵۳) " با استفاده از روش OLS اثر مالیات بر ضریب جینی را در ایران ارزیابی نموده و نتیجه گرفته است که با افزایش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی و کاهش نرخ مالیات مستقیم به مالیات غیر مستقیم، ضریب جینی بهبود می‌یابد.

-فلاحتی، الماسی و آقایی (۱۳۸۸) در مقاله ای تحت عنوان تأثیر سیاست های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۵۲ با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان به این نتیجه رسیدند که سیاستهای مالی در کشور (افزایش مالیات و یارانه) باعث بهبود توزیع درآمد و کاهش رشد اقتصادی شده است.

-کیا (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان " بررسی و مقایسه اثرات مالیات و یارانه های مستقیم و غیر مستقیم بر توزیع درآمد در مناطق شهری ایران طی سال های ۱۳۸۵-۱۳۵۷ " با استفاده از متغیرهایی چون لگاریتم مالیات مستقیم به تولید ناخالص ملی (Idl)، لگاریتم مالیات غیر مستقیم به تولید ناخالص ملی (lids)، لگاریتم هزینه دولت به تولید ناخالص داخلی (IG) بر روی ضریب جینی نشان می‌دهد که مالیات های غیر مستقیم بر روی توزیع درآمد اثر گذار نیست .

-شکوهی و ثابت فرد (۱۳۸۹)، در مقاله ای به عنوان " بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر توزیع درآمد در ایران (مطالعه موردی برنامه اول تا سوم توسعه ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳) " پرداختند و برای سنجش تغییرات از شاخص توسعه انسانی استفاده کردند که تایید نشان داد که هر گاه درآمد های مالیاتی یک درصد افزایش پیدا کند شاخص توسعه انسانی HDI ۰/۰۷ درصد کاهش می‌یابد و برعکس.

-اصغر پور (۱۳۹۰) با استفاده از داده های تابلویی استانی در دوره ۱۳۸۴-۱۳۷۹ به بررسی اثرات متغیر های کلان اقتصادی بر روی توزیع درآمد پرداخته و نشان داده است که فرضیه کوزنتس مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین یافته های وی دلالت بر این دارد که افزایش اندازه دولت و نرخ شهرنشینی منجر به کاهش نابرابری می‌شود ولی افزایش بیکاری اثر مثبتی بر نابرابری درآمد دارد.

-سیفی پور و رضایی (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان " بررسی عوامل موثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تاکید روی مالیات ها طی سالهای ۱۳۸۸-۱۳۵۳ " با استفاده از روش هم جمعی جوهانسون و جوسیلیوس به ارزیابی اثر سیستم مالیاتی بر نابرابری پرداخته و نشان دادند که افزایش مالیات مستقیم و سطح حداقل دستمزد، کاهش مالیات غیر مستقیم و نرخ بیکاری، توزیع درآمد بهبود می‌یابد.

-آذربایجانی و مرادپور و نجفی (۱۳۹۰)، به بررسی اثر سیاستهای مالیاتی بر نابرابری و رشد اقتصادی با استفاده از آمار های سری زمانی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۵۴ بر اساس آزمون OLS پرداختند. نتایج نشان داد که نرخ رشد مالیات با ضریب جینی و رشد اقتصادی رابطه منفی دارد، به عبارت دیگر افزایش مالیات باعث کند شدن میزان رشد اقتصادی و کاهش ضریب جینی شده است.

-اصغری‌پور و مصیب پرست (۱۳۹۲)، در مقاله ای به عنوان "عوامل موثر بر توزیع درآمد در استان های ایران با تاکید بر روی مالیات ها با رویکرد اقتصاد سنجی بیزی" با استفاده از داده های پانل طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ پرداختند. نتایج حاصل از روش میانگیری بیزی (BMA) نشان داد که فرضیه کوزنتس مبنی بر وجود رابطه U معکوس بین توسعه اقتصادی و توزیع درآمد در اقتصاد ایران مورد تایید قرار می گیرد.

-اسدزاده و سلیمی (۱۳۹۳)، در مقاله ای به عنوان "بررسی اثرات تورمی و توزیعی مالیات بر ارزش افزوده بر بخش های مختلف اقتصاد ایران" پرداختند. نتایج نشان داد که ضریب جینی قبل از اعمال مالیات بر ارزش افزوده، از سایر ضریب جینی ها کمتر می باشد که این تفاوت بین این ضرایب بسیار ناچیز است بطوری که تفاوت ضریب جینی پس از اعمال مالیات بر ارزش افزوده از ۰/۰۰۱۷ تا ۰/۰۰۵۲ تغییر می کند.

-ابونوری و زیوری مسعود (۱۳۹۳)، در مقاله ای به عنوان "تأثیر درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران و کشورهای منتخب OECD" طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱ با استفاده از داده های پانل و روش OLS پرداختند. و نتایج نشان داد که افزایش درآمدهای مالیاتی رابطه مستقیم با رشد اقتصادی دارد و با افزایش درآمدهای مالیاتی ضریب جینی افزایش می یابد و در نتیجه نابرابری درآمد بیشتر می شود.

مطالعات خارجی:

فوگلسانگ اوسترگارد (۲۰۱۴)، با استفاده از داده های تابلویی ۴۱ کشور جنوب صحرای آفریقا در دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ نشان داده است که عوامل موثر بر توزیع درآمد عبارتند از: آموزش، سیاست های مالی دولت و درجه درجه دموکراسی. همچنین نتایج مطالعه وی فرضیه شکل U معکوس کوزنتز را رد کرده است.

-لی و گوردون (۲۰۱۲)، در یک مطالعه بین کشوری با عنوان "ساختار مالیات بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد" برای هفتاد کشور طی دوره ۱۹۹۷-۱۹۸۰ در قالب مثل پانل دیتا نتیجه گرفتند کاهش یک درصد مالیات بر شرکت ها منجر به افزایش رشد اقتصادی به میزان یک تا دو درصد می شود

-رومر (۲۰۱۰)، در مقاله ای به عنوان "اثرات تغییرات مالیات بر اقتصاد کلان آمریکا" نتیجه گرفت یک درصد افزایش در مالیات باعث سه درصد کاهش رشد اقتصادی پس از دو سال می شود.

-تودارو و روسن برگ (۲۰۱۰) در مقاله ای با عنوان تاثیر تحمیل مالیات بر ارزش افزوده به مالیات های جایگزین بر دستمزد و حقوق یا بر شرکتهای برآوردهای تأثیرات درآمد از مالیات بر ارزش افزوده و کاهش در مالیات و درآمد شرکت سهامی، که مالیات بر ارزش افزوده می تواند به طور بالقوه از لحاظ مالی تأمین نماید را مطرح کردند و به این نتیجه رسیدند که VAT می تواند برگشت کننده بوده و بار مالیاتی را به تناسب در مالیات دهندگان کم درآمد نسبت به مالیات دهندگان پر درآمد بالاتر ببرد

-السینا و آردگنا (۲۰۱۰) در مطالعه ای با عنوان "تغییرات سیاست های مالیاتی در کشورهای OECD طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۷۰" نتیجه گرفتند بین افزایش مالیات و رشد اقتصادی رابطه منفی وجود دارد.

روین و همکاران (۲۰۰۹) با استفاده از داده های تابلویی ۱۶ کشور در طول قرن بیستم به بررسی نابرابری درآمد پرداخته و به این نتیجه رسیدند که اثر رشد و توسعه مالی به نفع ثروتمندان است. آنها همچنین نشان دادند که مخارج دولت اثر متناقضی بر گروه های مختلف درآمدی دارد. این مطالعه همچنین به این نتیجه رسید که افزایش مالیات سهم دهک درآمدی بالا را کاهش داده است.

سایر عوامل تعیین کننده توزیع درآمد

یکی از مهم‌ترین تئوری‌های مطرح در زمینه نابرابری درآمد، فرضیه کوزنتس (۱۹۵۵ و ۱۹۶۳) است. طبق این فرضیه، در مراحل اولیه، افزایش رشد با بهبود توزیع درآمد همراه بوده و بعد از آن به علت اینکه افراد گسترده‌تری افزایش درآمد را لمس می‌کنند، توزیع درآمد بهبود می‌یابد. در واقع از نظر کوزنتس اینکه افراد گسترده‌تری افزایش درآمد را لمس می‌کنند، توزیع درآمد بهبود می‌یابد. در واقع کوزنتس یک رابطه به شکل U معکوس بین GDP سرانه و نابرابری قائل است. بعد از کوزنتس، مطالعات بسیاری به بررسی رابطه نابرابری و رشد اقتصادی پرداخته و به نتایج متناقضی رسیده‌اند. السینا و پروتی (۱۹۹۶) و ناولز (۲۰۰۵) به یک رابطه منفی بین این دو رسیدند. فوسو (۲۰۱۰) بیان می‌کند که نابرابری بالا منافع حاصل از رشد را خنثی می‌کند. راولون (۲۰۰۱) نیز ادعا می‌کند که کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه‌ای که نرخ بالای رشد اقتصادی را با کاهش نابرابری ترکیب کرده‌اند، موفق‌تر بوده است.

اثر تورم بر نابرابری درآمد نیز در مطالعات بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است. گالی و رالف و اندر هوون (۲۰۰۱) بیان می‌کنند که ممکن است اثر تورم بر نابرابری به سطح اولیه تورم بستگی داشته باشد. یعنی در شرایط تورم بالا، کاهش تورم نابرابری را کاهش می‌دهد، اما در شرایطی با سطح تورم پایین، کاهش تورم می‌تواند اثر مخربی بر نابرابری داشته باشد.

عوامل متعدد دیگری نیز وجود دارد که مطالعات پیشین به تأثیر آن‌ها بر توزیع درآمد اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال گوستافسون و جانسون (۱۹۹۹) طیف وسیعی از متغیرها از قبیل سهم اشتغال در بخش صنعت، بیکاری، نرخ باسوادی، تورم و متغیرهای مختلف سیاسی و جمعیتی را مورد آزمون قرار دادند. همچنین عده‌ای درباره اثر فساد بر نابرابری و فقر تحقیق نموده‌اند (گوپتا و همکاران ۲۰۰۲). به عنوان مثال لی و همکاران (۲۰۰۰) به بررسی اثر فساد بر نابرابری پرداخته‌اند. مطالعاتی همچون بیردسال (۱۹۹۸)، بارو (۲۰۰۰) و دگرگوریو ولی (۲۰۰۲) نیز به آموزش به عنوان عامل کاهش نابرابری اشاره کرده‌اند. برخی از مطالعات نیز ویژگی‌های جمعیتی را بررسی کرده‌اند. به عنوان مثال الدرسون و نیلسن (۱۹۹۵) به اثر مثبت شهرنشینی و رشد جمعیت بر نابرابری اشاره کرده‌اند، در حالی که سهن و استیفل (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیده‌اند که نابرابری در روستاها بدتر از شهرها می‌باشد.



در این پژوهش به منظور بررسی تأثیر درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد از مدل زیر استفاده شده است:

$$GINI = f(TAX, GDP, INF, POP, S)$$

که در آن:

$Gini$ = ضریب جینی

TAX = درآمدهای مالیاتی

GDP = تولید ناخالص داخلی به قیمت سال پایه ۸۳

S = نرخ باسواد

INF = تورم

POP = جمعیت

تخمین مدل

با توجه به این که تمامی متغیرهای موجود پس از بررسی پایایی از طریق آزمون دیکی-فولر جمع بسته از مرتبه یک شناخته شده‌اند لذا مدل‌ها با روش OLS تخمین زده شده و نتایج تخمین در جدول (۱) آورده شده است.

متغیر وابسته: ضریب جینی Gini			
نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
TAX	-۰/۰۰۶	-۱/۹۵	۰/۰۰۲
GDP	۰/۰۳	۳/۵۱	۰/۰۱۴
P	-۰/۰۷	-۳/۰۴	۰/۰۹۵
S	۰/۰۰۳	۲/۰۶	۰/۰۰۵
R^2	۰/۷۳		
F-statistic	۶/۹		
D-W	۱/۹۸		

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که تمامی ضرایب به جزء تورم معنی‌دار هستند. و متغیر درآمدهای مالیاتی دارای اثر منفی بر ضریب جینی دارد و با افزایش درآمدهای مالیاتی ضریب جینی کاهش پیدا می‌کند، ضریب درآمدهای مالیاتی $-۰/۰۰۶$ است یعنی با افزایش یک درصد درآمدهای مالیاتی ضریب جینی $۰/۰۰۶$ کاهش می‌یابد. همچنین تولید ناخالص داخلی، نرخ باسوادی دارای اثر مثبت بر ضریب جینی دارد. در خصوص اثر تولید ناخالص داخلی بر ضریب جینی می‌توان گفت، این نتیجه با نظر کوزنتس (۱۹۹۵) همسو است. کوزنتس بیان می‌کند، در مسیر رشد اقتصادی در کشورها نابرابری درآمد افزایش یافته و پس از ثابت ماندن در سطح معینی به تدریج کاهش می‌یابد (منحنی U معکوس). کوزنتس استدلال می‌کند که با گذشت زمان و تکمیل مراحل توسعه، نابرابری کاهش پیدا می‌کند. برخلاف کوزنتس، میردال بیان می‌کند که افزایش نابرابری در یک کشور به طور معکوس رشد اقتصادی را متأثر می‌سازد (به دلیل برهم خوردن نظم فعالیت‌های اقتصادی و تجاری ناشی از اغتشاشات). R^2 مدل رقم $۰/۷۳$ بوده و بیانگر توزیع دهنده‌گی تقریباً خوب الگو است و دوربین واتسون $۱/۹۸$ ارقام مناسبی را دارند و بیانگر خوبی مدل و عدم همبستگی بین متغیرها می‌باشند.

نتیجه‌گیری

توزیع عادلانه درآمد و رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های رفاه اجتماعی است. به عبارت دیگر، توزیع درآمد مناسب علاوه بر جنبه اخلاقی آن، به علت دلالت‌هایی که بر کاهش فقر و بهبود وضعیت زندگی دارد، در طول چند دهه اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. از سویی دیگر پیش‌نیاز اقدامات مؤثر در راستای بهبود توزیع درآمد، آگاهی از عوامل تعیین‌کننده آن است تا بتوان با اتخاذ سیاست‌های منطقی و علمی، عملکرد مؤثری در جهت کاهش نابرابری در جامعه داشت. بنابراین مطالعه حاضر به بررسی اثر درآمدهای مالیاتی بر روی توزیع درآمد و رشد اقتصادی پرداخته است.

نتایج مورد بررسی برای مدل یعنی بررسی ارتباط بین درآمدهای مالیاتی و ضریب جینی بیانگر این است که درآمدهای مالیاتی اثر منفی بر ضریب جینی داشته و تولید ناخالص داخلی و نرخ باسواداری دارای اثر مثبت بر ضریب جینی می‌باشد و تورم دارای اثر معناداری بر ضریب جینی نمی‌باشد. فرضیه U معکوس کوزنتس در رابطه با ارتباط بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد تأیید می‌شود، و همچنین علت اثر متناقض میزان باسواداری بر روی توزیع درآمد را می‌توان به عدم کارایی نظام آموزشی کشور نسبت داد.

عملکرد سیستم مالیاتی در داخل کشور و مقایسه با دیگر کشورها نشانگر آن است که مالیات بخش کوچکی از درآمد دولت را شامل می‌شود و هیچ‌گاه به‌طور جدی به سیستم مالیاتی و راه‌های مناسب و بهینه اخذ آن توجه نشده است. بدین ترتیب همواره مالیات یک منبع ضعیف تأمین درآمدها برای دولت بوده است. توسعه سیاستی برای کشورهای کم‌درآمد این است که سیاست مالی در جهت بهبود توزیع درآمد، باید به‌گونه‌ای باشد که به کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری قشرهای پردرآمد جامعه منجر نشود. البته در دوره گذرا از اقتصاد در حال توسعه به اقتصاد توسعه یافته ناظر بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد خواهیم بود.



اصغر پور، حسین و نصیب پرست، سیما. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در استان‌های ایران با تأکید بر مالیات‌ها، پژوهشنامه مالیات/شماره بیست یکم (مسلسل ۶۹)، بهار ۹۳

سیفی پور، ررویا. و رضایی، محمد قاسم. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات‌ها، پژوهشنامه مالیات/شماره دهم (مسلسل ۵۸)، بهار و تابستان ۹۰.

ابونوری، عباسعلی. (۱۳۷۶). اثر شاخص‌های یکسان بر توزیع درآمد در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۱.

بالی، اسدا. و میررستم. (۱۳۸۶). اثربخشی مالیات بر نابرابری توزیع درآمد در ایران، مجموعه مقالات اولین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، سازمان امور مالیاتی کشور.

دادگر، یدالله. و غفاری، علی. (۱۳۸۷). بررسی اثر مالیات حقوق بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال هشتم، شماره سوم.

Atkinson, A. B. (2004). Income Tax and Top Incomes over the 20th Century, *Revista de Economia Publica*, Vo. 168, 123-141

Baer, W., Galvao, A.F. (2008). Tax Burden, Government Expenditures and Income Distribution in Brazil, *The Quarterly Review of Economics and Finance*, Vol. 48, Issue 2, 345-358

Erik Borge, L., Rattso, J (2003). Income Distribution and Tax Structure Microeconomic Test of the Meltzer-Richard Hypothesis, CES Working paper, no.543.

Weil, D.N. (2009). *Economic Growth*. 2nd ed. Pearson and Addison Wesley. 5-6 and 370-387

Bird, M. Richard (2005), *Redistribution via Taxation: the limited Role of the Personal Income Tax in Developing Countries*, internet Document.

Bishop, John P Formby, peter Lambert (2007), *Redistribution through the Income Tax: the Vertical and Horizontal effect of Noncompliance and Tax Evasion* Department of Economics University of Newyork, Discussion paper number 99/13.

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران